



مدرسه قرآن و معارف علوم اسلامی

«عبد» به معنای انسانی است که مملوک
غیر باشد. عبد فقط مولای خود را می بیند
استعانت به معنای مطلق نصرت و یاری
است.



علی دستش رو گذاشت رو شونه مصطفی و
گفت: به تو اینجا بیشتر نیازه، انشاءالله اون
روز میرسه که تو هم اسلحه به دست بجنگی
. فعلا با این قلم و خودکار تو این سنگر ۳×۴
مفیدتری.

با این که علی ۲ سال ازش کوچکتر بود ولی
حرف فرمانده دستور بود و اون وظیفه داشت
بپذیره.

یه روز علی بهش گفت: بارو بندیلت رو جمع
کن فردا عازمی برای خط مقدم. مصطفی
حس عجیبی داشت، مثل پرنده ای که بخواد
پرواز رو یاد بگیره. فرداش که علی اومد، توی
چشمهای مصطفی نگاه نمی کرد. مصطفی بو
برد که باید قضیه رفتنش کنسل شده باشه.

"مصطفی جون از بالا دستور رسیده فعلا
همین جا باشی بهتره". اون با خودش فکر
کرد "جهاد این جا و اونجا نداره. یه لشکر
اعضای مختلفی داره، بالاخره یکی هم باید
مثل من اینجا بمونه".

ادامه صفحه بعد ...

ملیانه

آوازی

«سوره مبارکه حمد»

مرزده ای ز آوازی است،
و آوازی چلچله سوره حمد است.

بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۷



...ادامه از صفحه قبل

چشمه‌اش پر از اشک شد و به سمت سجاده اش رفت. جیب علی استارت خورد و شروع به حرکت کرد و دور و دورتر شد.

صدای انفجاری آمد. علی پدال ترمز را فشار داد و فریاد زد "مص...طی...ف...ا...!". دشمن از جایی که تصورش را نداشتند حمله کرده بود.

مصطفی پرواز کرد.



الصد لله الذی تجبب الی و هو غنی عنی، والصد لله الذی یحلم عنی حتی کأنی لا ذنب لی، فریبی اصد شی عندی و اصدی بصدی

سپاس خدای را که کمال محبت را به من انعام نمود با آن که از من بی نیاز بود، و سپاس خدای را که بر من حلم و بردباری کرد چنان که گویی گناهی از من سرزده است پس خدای من نازم ، ستوده تربی است و به حمد و ستایش من سزاوار تر است

بچه که بودیم، برای همه کارامون از دیگران کمک می گرفتیم:

مامان دکمه هام رو ببند!

بابا کفشهام رو پام کن!

فواهر بون گرسنمه غذا می فوام!

هر چی بچه تر، به کمک دیگران

محتاج تر. اون موقع ها فیلی نیازمند

و فقیر بودیم...

هر چی بزرگتر شدیم فکر کردیم می

تونیم همه کارامون رو فودمون

تنهایی انجام بدیم و نیاز به دیگران

نداریم؛ اما بعضی جاها که میشه

مفصوفا وقتی پای جون عزیزامون

در میونه یا وقتهایی که بیماری ها

سراغمون میاد، یکی رو با تمام وجود

می فونیم و ازش کمک می فوایم،

اما غافل از اینکه هممون در همه

مال فقط بنده ی اونیم و باید در

همه مال فقط از اون کمک بفوایم

پس می گیم:

"ایاک نعبد و ایاک نستعین"

تازه جمع هم می بندیم: " ما، که

فودمون رو بپونیم قاتی بنده های

واقعیش تا به هوای اونها ما رو هم

بشماره.

ابوحزه تمالی

شماره چهارم - ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۸

اوقای



"مدرسه دانشجویی"

قرآن و عترت (علیهم السلام)"

برگزار می کند:

"همایش سوره"

مبارکه حمد"

زمان: دوشنبه

۱۱ آبان ماه

ساعت ۱۷-۱۵

مکان:

تالار شهید دهشور

پردیس علوم

دانشگاه تهران

شماره تماس: ۰۹۶۸۳۰۹۸۸





مدرسه قرآن و عترت علم السلام

«عبد» به معنای انسانی است که مملوک
غیر باشد. عبد فقط مولای خود را می بیند
استعانت به معنای مطلق نصرت و یاری
است.



علی دستش رو گذاشت رو شونه مصطفی و
گفت: به تو اینجا بیشتر نیازه، انشاءالله اون
روز میرسه که تو هم اسلحه به دست بجنگی
. فعلا با این قلم و خودکار تو این سنگر ۳×۴
مفیدتری.

با این که علی ۲ سال ازش کوچکتر بود ولی
حرف فرمانده دستور بود و اون وظیفه داشت
بپذیره.

یه روز علی بهش گفت: بارو بندبیلت رو جمع
کن فردا عازمی برای خط مقدم. مصطفی
حس عجیبی داشت، مثل پرنده ای که بخواد
پرواز رو یاد بگیره. فرداش که علی اومد، توی
چشمهای مصطفی نگاه نمی کرد. مصطفی بو
برد که باید قضیه رفتنش کنسل شده باشه.
"مصطفی جون از بالا دستور رسیده فعلا
همین جا باشی بهتره". اون با خودش فکر
کرد "جهاد این جا و اونجا نداره. یه لشکر
اعضای مختلفی داره، بالاخره یکی هم باید
مثل من اینجا بمونه".

ادامه صفحه بعد ...

ملیانه

آوازی

«سوره مبارکه حمد»

مرزده ای ز آوازی است،
و آوازی چلچله سوره حمد است.

بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۷



عبودیت

و استعانت

...ادامه از صفحه قبل

چشمه‌اش پر از اشک شد و به سمت سجاده اش رفت. جیب علی استارت خورد و شروع به حرکت کرد و دور و دورتر شد.

صدای انفجاری آمد. علی پدال ترمز را فشار داد و فریاد زد "مص...طی...ف...ا...!". دشمن از جایی که تصورش را نداشتند حمله کرده بود.

مصطفی پرواز کرد.



الصد لله الذی تجبب الی و هو غنی عنی، والصد لله الذی یحلم عنی حتی کأنی لا ذنب لی، فریبی اصد شی عندی و اصدی بصدی

سپاس خدای را که کمال محبت را به من انعام نمود با آن که از من بی نیاز بود، و سپاس خدای را که بر من حلم و بردباری کرد چنان که گویی گناهی از من سرزده است پس خدای من نازم ، ستوده تربی است و به حمد و ستایش من سزاوار تر است

بچه که بودیم، برای همه کارامون از دیگران کمک می گرفتیم:

مامان دکمه هام رو ببند!

بابا کفشهام رو پام کن!

فواهر بون گرسنه غذا می فوام!

هر چی بچه تر، به کمک دیگران

محتاج تر. اون موقع ها فیلی نیازمند

و فقیر بودیم...

هر چی بزرگتر شدیم فکر کردیم می

تونیم همه کارامون رو فودمون

تنهایی انجام بدیم و نیاز به دیگران

نداریم؛ اما بعضی جاها که میشه

مخصوصا وقتی پای جون عزیزامون

در میونه یا وقتهایی که بیماری ها

سراغمون میاد، یکی رو با تمام وجود

می فونیم و ازش کمک می فوایم،

اما غافل از اینکه هممون در همه

مال فقط بنده ی اونیم و باید در

همه مال فقط از اون کمک بفوایم

پس می گیم:

"ایاک نعبد و ایاک نستعین"

تازه جمع هم می بندیم: " ما، " که

فودمون رو بپونیم قاتی بنده های

واقعیش تا به هوای اونها ما رو هم

بشماره.

ابوحزه تمالی

شماره چهارم - ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۸

اولی

پلیس

"مدرسه دانشجویی"

قرآن و عترت (علیهم السلام)"

برگزار می کند:

"همایش سوره"

مبارکه حمد"

زمان: دوشنبه

۱۱ آبان ماه

ساعت ۱۷-۱۵

مکان:

تالار شهید دهشور

پردیس علوم

دانشگاه تهران

شماره تماس: ۰۹۸۳۰۹۶۸۸

